

جنگ عادلانه در فلسفه سیاسی سنت آگوستین

سید صادق حقیقت / قسمت دوم

مقاله مجلس و مشروعیت ناقص

حفيظ الله زكي

زمان قانونی پارلمان فعلی در اول سرطان به پایان می رسد. اگرچه برخی از اعضای مجلس ادامه کار نمایندگان را با توجه به صراحت قانون اساسی موجه می دانند؛ اما همه می دانند که این توجیحات از روی ناگزیری بوده و بر بنیاد قانون استوار نمی باشد. حال از یک طرف ادامه کار پارلمان فعلی غیر قانونی می باشد و از سوی دیگر پارلمان جدید شکل نگرفته و انطوری که پیش بینی می شود، این انتخابات ممکن است تا سال آینده به تعویق بیفتند. پس چه باید کرد؟ آیا مجلس باید منحل شود؟ در این صورت افغانستان بیشتر از یکسال را بدون مجلس سپری خواهد کرد. آیا غیبت پارلمان در تصمیم گیری های اساسی مشروعیت فیصله ها را زیر سؤال نخواهد برد؟ آیا در نبود پارلمان خلأ قانونی در کشور به وجود نخواهد آمد؟ آیا می شود تمام خلأ ها را با فرامین تقنینی رییس جمهور پر کرد؟

در کشوری که تازه ارزش های دموکراسی را به تجربه گرفته و صدها موانع و مشکلات بر سر تطبیق ارزش های دموکراتیک خلق می شود، تفکیک نظام به قوای سه گانه که یکی از اصول نظام دموکراتیک به شمار می رود، حتا برای یکروز نیز توجیه پذیر نمی باشد؛ زیرا در چنین کشورها حداقل به صورت فورمالیستی هم که شده، باید تلاش شود تا اصول و مبانی نظام دموکراسی رعایت گردد.

ولی اگر این اصول و ارزش ها از بالا مورد بی توجهی قرار گیرد، دیگر دلبلی باقی نمی ماند که سطوح میانی و پایینی جامعه به آنها ارزش و احترام بگذارند.

دموکراسی بدون تفکیک قوا معنا و مفهوم خود را از دست می دهد، چرا که این نظام به اراده و خواست مردم استوار می باشد و این خواست توسط نمایندگان منتخب شان در پارلمان تجلی پیدا می کند. حال اگر پارلمان نباشد، اراده مردمی شکل نمی گیرد و در فقدان اراده مردمی، مشروعیت نظام از بین می رود.

پس به این نتیجه می رسیم که بدون پارلمان و نمایندگان مردم، وجود و پایداری نظام دموکراتیک زیر سؤال رفته و زمینه برگشت به وضعیت های تاریک گذشته فراهم می گردد.

اما این سؤال مطرح می شود در صورتی که انتخابات پارلمانی به موقع برگزار نشود، چاره کار چیست؟ اینجا باید مراجع قانونی چون رییس جمهور، ستره محکمه و کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی به مبنای صلاحیت هایی که قانون برای آنها اعطا کرده است، راه بیرون رفتی از بن بست کنونی پیدا کنند.

اگرچه در نهایت یکی از این مراجع در باره چگونگی دوام کار مجلس فیصله می کند؛ اما پیش از آن باید در مشورت با نهادهای مرتبط دیگر، بهترین راهها را برای حل این مشکل جستجو نمایند. در حالی که مشروعیت حکومت به دلیل انتخابات ناقص و پر اشکال ریاست جمهوری زیر سؤال رفته است، حال اگر کار مجلس نیز به نظر مردم خارج از چارچوب قانونی دانسته شود، دیگر ارزش و اعتباری برای دموکراسی در افغانستان باقی نمی ماند.

اگرچه مردم در شرایط کنونی مجبور اند که در برابر بسیاری از نارسایی ها و قانون شکنی ها سکوت کنند، اما این سکوت نباید توجیهی برای انجام هر نوع عمل غیر قانونی از سوی دولت مردان گردد.

حکومت وحدت ملی باید از ماهها قبل روی اصلاحات کمیسیون های انتخاباتی اندیشه می کرد و مقدمات برگزاری انتخابات پارلمانی را در موعد قانونی آن فراهم می نمود؛ اما متأسفانه اختلافات توجیه ناپذیر سران حکومت وحدت ملی در این زمینه، آغاز روند اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی را به تأخیر انداخت.

این تأخیر سبب شد که جامعه جهانی کمک هایش را به کمیسیون های انتخاباتی قطع کند و از آمین هزینه های انتخابات پارلمانی شانه خالی کند.

پس این وضعیت تنها راهی که فراوری حکومت قرار دارد، آوردن اصلاحات انتخاباتی است که هیچ راه فراری از آن وجود ندارد. مشروعیت و مقبولیت انتخابات آینده در گرو همین اصلاحات قرار دارد و تا اصلاحات به وجود نیاید، نه مردم در انتخابات شرکت می کنند و نه جامعه جهانی هزینه های آن را به عهده می گیرد. پس بهتر است که سران حکومت هرچه زودتر در این رابطه تصمیم بگیرند.

فضیلت (اخلاق) و عدالت

۱-۲- فضیلت (اخلاق)
عنصر بنیادین در نظریه جنگ عادلانه آگوستین فضیلت است که در کتاب هشتم شهر خدا مطرح شده است. وی در آنجا مطرح می کند که ما چگونه می توانیم به یک تقرب الهی برسیم؟ و هدف فلسفه را رسیدن به این جایگاه می داند. (Stump E, Leonor and Kretzmann Norman, ۱۹۹۸: ۲۰۵E)
آگوستین فضیلت را تنها به عنوان یک اصلاح درونی نمی داند. بلکه آن را عامل حصول عدالت مدنی نیز می داند. از نگاه وی یک فضیلت زمانی فضیلت است که تحت تأثیر محیط بیرونی افراد باشد، در نزد اوممكن است فردی بداننده که خیر او در زمان و موقعیت خاص کدام است ولی نتواند به این خیر دست یابد. دیگر اینکه در نزد آگوستین مفهوم اراده بسیار کلیدی و با اهمیت است. این اراده است که توجه انسان را به این سو و آن سو جلب می کند. وی بدین وسیله انسان را موجودی مختار می داند چون اراده او در اختیار خود اوست و لطف الهی موجب معالجه اراده منحرف می شود. اراده ای که به آزادی خویش بازگشته باشد یک فضیلت است و در صورتی که انسان برده شهوت شود، اراده او یک ردیلت است. (Macintyre's Alasdair, ۱۹۸۱: ۱۵۷-pp)

۱۵۷-pp) و موجب بردگی انسان می شود. آگوستین در مورد بردگی می نویسد: (اراده الهی پیش تر چنین بود که انسان بر انسان حکومت نکند و تنها حاکم بر جانوران باشد. به همین دلیل در بدو تشکیل جوامع بشری نخستین مردان مقدس در آن زمان بیشتر حکم چوپان را داشتند تا شاهان... معیبت و خطا کاری بشر بود که باعث پیدایش بردگی گردید. لذا منشاء بردگی انسان و علت محکوم شدنش به فرمانبرداری از انسان دیگر همانا ارتکاب معصیت است. بنابراین شر آن است که انسان را از ذاتش دور کند و گرایش به عدم دارد... گرایش به چیزی دارد که عدمی است هر چیزی که در آن نظم و تناسب باشد باید منتسب به خدا کرد و اراده ای

که از خدا روی می گرداند بی نظمی بوجود می آورد. خود اراده خیر است و فقدان نظم درست که عامل انسانی مسئول آن است شر است و شر اخلاقی عبارت از فقدان نظم درست در اراده مخلوق است. اصل اخلاق عشق به خداست و ذات شروری گرداندن از خداوند است. (کاپلستون ۱۳۸۲، ص ۱۰۸)
از این جا نسل آدمی به دو گروه خدا دوست و انسان که خود را بر عدالت خدا ترجیح می دهند شکل می گیرد. دو شهر آسمانی و زمینی از اینجا آغاز می شود.

آگوستین از عدالت به عنوان یک فضیلت مدنی که سیسرو از آن یاد می کند، بهره گرفته و به تناسب اعتقادات مذهب مسیحی تعریف سیسرو از عدالت را تغییر می دهد؛ و در نتیجه این تغییر بر جنبه هایی از اندیشه سیاسی او به ویژه نظریه جنگ عادلانه تمرکز می یابد. در حالی که عدالت اندیشه سیسرو خدمت به دیگران بوده و به عبارتی دیگر انجام وظایف مدنی می باشد و عدالت از عقل سر چشمه می گیرد و عدل به تمام انسانها ارزانی شده پس توجه داشته باشیم که مفهوم عدالت خارجی فضیلت است که علت آن رفتار فرد می باشد. سیسرو مفهوم خود از عدالت را اینگونه شرح می دهد:

(ما برای خود متولد نشده ایم که به تنهایی زندگی کنیم، بلکه برای هموعانمان زندگی می کنیم و به پیروی از طبیعت به عنوان راهنمای ما برای مشارکت در اعمال محبت آمیز، جامعه انسانی را شکل می دهیم.) (Cicero, ۱۹۷۵-۱۹۷۷, I. vii)
تصرف از خود گذشتگی به عنوان عدالت در انجام امور مدنی در نگاه سیسرو یکی دیگر از تعاریف عدالت است. وی در قوانین در مناظره با آتیوس می گوید:
(حال نکته بعدی این است که طبیعت ما را چنان آفریده است که باید مفهوم عدالت را میان خود تقسیم کنیم و سود آن را نصیب همگان سازیم..... اگر قضاوت های مردم با طبیعت سازگار باشد... آن وقت عدالت از جانب همگان بطور مساوی رعایت می

گردد. عدالت به دنبال رفاه دیگران به منظور استقرار ثبات و قدرت در جامعه انسانی است این عدالت فقط تابع اجتماع است و به جامعه واگذار شده است.) (فاستر ۱۳۷۷، ص ۲۷۷)
پس این اساس در نگاه آگوستین عدالت به عمکرد اجتماعی واگذار شده است. او در تعریف عدالت تحت تأثیر سیسرو می نویسد:

(علاوه بر این عدالت فضیلتیست که هر کس به خاطر دیگری کاری را انجام می دهد.) (Augustine, ۱۹۴۷-۱۹۴۸, XIX.cxxi)

در نگاه آگوستین فضیلت درونی همان قسدر دارای اهمیت است که فضیلت بیرونی در رفتار انسانها با یکدیگر دارای اهمیت می باشد. یکی از نگرانی های آگوستین در درجه اول رفتار منصفانه و عادلانه مردم از طریق عملکرد مناسب به وظایف مدنی است. وی در تعریف عدالت، عدالت را در مان افراد بیمار (از لحاظ معنوی) و انجام وظایف مدنی توسط شهروندان می داند. در این تعریف باید توجه داشته باشیم که مفهوم عدالت و اجزاء نظریه جنگ عادلانه در امتداد آراء ارسطو شکل می گیرد و این انتقال از طریق اندیشه سیسرو به آگوستین صورت

می گیرد. آگوستین در شرح آراء خود با مراجعه به آراء فلسفی افلاطون و ارسطو و شرح نظریات آنها نظریه خود را در مورد فضیلت ارائه می کند و شباهت بین مفهوم عدالت در نگاه آگوستین با ارسطو به لحاظ استفاده سیسرو از مفهوم ارسطویی عدالت می باشد (Cicero, ۱۹۷۵, III. viii). آگوستین همانند سیسرو از کلمه لاتین (Justitia) به معنی عدالت بهره می برد. ولی با این حال وی بعد دیگری از مفهوم عدالت را بیان می کند، و با بهره گیری از منابع الهیات مسیحی مفهوم عدالت را به طور کلی توسعه می دهد. مارسیا کولیش (Marcia Colish) در این باره می نویسد:
(آگوستین با پیروی از این ایده که عمل

اخلاقی در درجه اول اعمال نیات فکری است، آگاهانه این اصل روانی را پذیرفت که فضیلت در درون وجدان افراد خوب است و به جامعه واگذار شده است.) (Coilsh, ۱۹۸۵, ۲۰۹ p)
(بر این اساس آگوستین موافقت خود با پرهیزکاری و اینکه نیات های درست اخلاقی می تواند برای انسان ذاتی باشد

و این سوالی که در پاسخ به این سوال که انسان آلوده به گناه قادر به تولید عدالت در درون خود می باشد یا خیر؟ می نویسد:
(زمانی که انسان آفریده شد با ارتکاب گناه اولیه قطعاً در یافت عدالت را از دست داد و به این دلیل انسان دیگر نمی تواند عدالتی را که از دست داده دوباره و به خودی خود بدست آورد.) (Augustine, ۱۹۴۷-۱۹۴۸, XIV.xv)

بنابراین از نگاه آگوستین ممکن است فرد شایستگی دریافت عدالت را داشته باشد اما گناه انسان اصل ظر فیت ذاتی برای عدالت را در او از بین برده و در نتیجه انسانها نمی توانند خود عدالت را تولید کنند. آگوستین همانند جوهرگرایان برخی از خصاوص و ویژگی های اشیاء را

اندیشه سیاسی، مفهوم و چیستی

ابوالحسن حسینی / قسمت دوم و پایانی

می توان تشکیل داد؛ مانند مدل مفهومی فقیهان برای مومن که از چنین مفاهیمی شکل گرفته است: حرّ (آزاد)، عبد، اسیر، مقروض، زن، مرد، ساکن دار الاسلام، ساکن دار الکفر، محارب، عادل، و مانند این موارد. کافر نیز با مدلی مفهومی شناخته می شود که از کتب فقه می توان مفاهیم آن را استقضا کرد. مدل مفهومی فقیهان از چنین مفاهیمی بهره می گیرد: دار الاسلام، دار الکفر، دار الحبر، دار الذمه، دار العهد، دار الامان، دار الهدنه و

زیرا موضوعات مربوط به حیات انسانی به وسیله چنین مدلی قابل تعریف است و با تعریف این موضوعات، موضوع برای نظریه تعریف می شود؛ برای مثال در نظام سیاست اسلامی مفاهیمی چون حکم الله، حکم جاهلیت، ولایت الله، ولایت طاغوت، عدالت، ظلم، مومنین، کافر، منافق، جهاد، اصلاح، فساد، عزت و ذلت در مدل های مفهومی به کار می روند. مدل های مفهومی به اعتبار حقیقی یا اعتباری بودن موضوع، دو قسم اند. مدل

می دهد که این مفهوم کلیدی مفهوم عزت است. (۹) از آنجا که جامعه انسانی با یک تعامل عقلانی حاصل می شود، بدون عطف نظر به چنین مولاتی نه به وجود می آید و نه باقی می ماند. بنابراین، هر جامعه انسانی با اراده و آگاهی افراد، معطوف به چنین اموری است و به همین اعتبار، جامعه انسانی به سیاسی منصف می شود. پس جامعه سیاسی همان جامعه انسانی است؛ اما به این اعتبار که با اراده و آگاهی افراد، معطوف به عزت (یا قدرت) یا تدبیر یا هر امری که مفهوم کلیدی سیاست به شعار آید) است.

به این ترتیب، می توان درک کرد که پدیده سیاسی چیست. پدیده سیاسی هر امری است که در جامعه سیاسی از جهت سیاسی بودنش پدید آید و چنین پدیده های موضوع اندیشه سیاسی است. مراحل اندیشه سیاسی با توجه به تعریفی که از اندیشه شده، اندیشه سیاسی مجموعه آرای سیاسی نیست، بلکه حرکت ذهنی یا علمی برای کسب این آرا است. زمانی که از اندیشه سیاسی یک مکتب یا یک شخص سخن به میان می آید، هر سه قسم اندیشه مد نظر است. بنابر این، اندیشه سیاسی شامل سه مرحله اساسی زیر است:

مرحله اول: نحوه مواجهه با پدیده سیاسی.

مواجهه با پدیده سیاسی مستلزم اخذ دیدگاه است. دیدگاه اندیشمند از پاسخ او به چنین پرسش هایی حاصل می شود: اندیشمند چه پدیده ای را سیاسی می داند؟

اندیشمند چه ارزشی برای سیاست، به نحو کلی، قائل است؟

چه ارزشی برای پدیده سیاسی موضوع اندیشه اش قایل است؟

هدف او از پرسش سیاسی و اندیشه در پدیده های سیاسی چیست؟

مرحله دوم: تعیین نوع مطلوب ها در مواجهه با پدیده سیاسی

تعیین نوع مطلوب ها، مستلزم داشتن یک مدل مفهومی از پدیده های سیاسی است؛ اسم از اینکه مطلوب مجهولی باشد که باید کشف شود یا نیازی باشد که باید برآورده شود. پدیده های مرکب با مجموعه ای از مفاهیم مرتبط با هم درک می شوند. مجموعه مفاهیم مرتبط با هم که از یک پدیده مرکب، تصویری در ذهن درست می کند، مدل مفهومی است. مدل مفهومی زمینه اندیشه است،



برآورده شود؛ در این صورت اموری که در نحوه یافتن پاسخ مؤثرند، عبارت است بود از:

- جهان بینی اندیشمند (برای تعیین مبدأ اعتبار).
- منابع معرفتی اندیشمند.
- روش اندیشمند برای بهره گیری از منابع معرفتی.
- هدف اندیشمند از برآوردن نیاز.

دار الهجره.

این مدل مفهومی آشکارا با مدل مفهومی یک لیبرال غربی برای انسان سیاسی یا جغرافیای سیاسی متفاوت است و این نشانگر تفاوت اندیشه سیاسی این دو است. یک فقیه، مطلوب خود را ذیل یکی از این مفاهیم تعیین نوع می کند و یک لیبرال در ذیل مفاهیمی دیگر و یک مارکسیست در ذیل مفاهیمی دیگر.

های حقیقی مدل هایی اند که موضوع آنها امر حقیقی است. مدلهای حقیقی از مفاهیم وجودی و ماهوی تشکیل می شود؛ مانند مدل مفهومی جغرافیای سیاسی. مدل های اعتباری مدل هایی اند که موضوع آنها امور اعتباری است. مدل های اعتباری را می توان از ماهیات مختزعه و احکام (احکام به اصطلاح فقهی و حقوقی و محمولات اخلاقی اعتباری)



روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan

روزنامه

Outlook AFGHANISTAN

The Leading Independent Voice